

خاموشی دکتر جعفر شعاع

دکتر جعفر شعاع نویسنده، محقق، مترجم و از زمره کردانندگان مجله راهنمای کتاب یکشنبه شب ۲۶ تیر ۱۳۸۰ در منزل مسکونی خود در تهران دارقانی را وداع گفت.

زندگی نامه خودنوشت و فهرست آثار او چنین است: من در سال ۱۳۰۴ ش برابر با ۱۳۳۳ ق در تبریز متولد شدم. دوره‌های تحصیلات ابتدایی و دبیرستان و لیسانس را در زادگاه خود به پایان بردم. در سال ۱۳۳۵ به تهران برای ادامه تحصیلات در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی آمدم. در سال ۱۳۴۲ به دانشسرای عالی، که بعدها عنوان «دانشگاه تربیت معلم» گرفت، وارد شدم. مدت ۱۸ سال به سمت استادیاری، دانشیاری و استادی در آن دانشگاه به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداختم. از آغاز ستین زندگی حدود ۱۵ سالگی به ادبیات فارسی سخت علاقه مند و مشتاق بودم. چنان‌که بیشتر اوقاتم در کتابخانه و قرائت‌خانه تربیت تبریز در مطالعه آثار نثر و نظم نویسندگان و شاعران ایران می‌گذشت. یادداشت‌های فراوانی از آن دوره دارم که یادآور شور و شوق من به فرهنگ و ادب ایرانی است. چون در خانواده مذهبی می‌زیستم، به معارف اسلامی، به ویژه قرآن کریم بسیار دلبستگی داشتم. پدرم مرحوم حاج یوسف شعاع مفسر قرآن بود و به همین جهت با تفسیر قرآن آشنا شدم و نیز زبان عربی را نزد پدر آموختم. از جامع‌المقدمات گرفته تا سیوطی و مغنی‌اللیب ابن هشام و همچنین مطول را فرا گرفتم. من در آن زمان بیست ساله بودم. به جهت علاقه بسیار به زبان عربی، سیوطی (البهجة المرضیة) را به فارسی ترجمه کردم و کتاب‌هایی درباره صرف و نحو عربی نوشتم و سپس در تهران به ترجمه کتاب‌هایی پرداختم که پس از این ذکر خواهم کرد.

پس از انتقال به تهران در زمان مرحوم دکتر محمد معین به عضویت سازمان لغت‌نامه دهخدا در آمدم و مدت ۶ سال در سازمان لغت‌نامه به کار تحقیق و تألیف پرداختم. به هنگام استادی دانشگاه، چند سالی در دانشگاه تهران و سپس در دانشگاه تربیت معلم تدریس کردم. پس از انقلاب و برقراری نظام جمهوری اسلامی، از سوی انجمن‌های اسلامی استادان و

دانشجویان و کارمندان، به ریاست دانشگاه تربیت معلم انتخاب شدم و وزیر فرهنگ و آموزش عالی آقای دکتر شریعتمداری ابلاغ صادر کرد. مدت ۱۷ ماه در این سمت دین خود را نسبت به فرهنگ ایرانی و اسلامی ادا کردم و سپس برای این که به کار اصلی خود یعنی تدریس و تألیف بپردازم، از ریاست دانشگاه استعفا کردم، اما به پیشنهاد مقامات دانشگاه به ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی منصوب شدم. چند ماهی در این سمت به خدمت فرهنگی ادامه دادم تا تعطیل دانشگاه‌ها اعلام گردید و مقرر شد که استادان به جای تدریس به تألیف بپردازند. کار علمی من در این دوران فترت تصحیح و شرح جوامع‌الحکایات سدیدالدین محمد عوفی، بخش تاریخ اسلام بود که بعدها از سوی مرکز نشر دانشگاهی انتشار یافت. پس از بازنشستگی که پس از ۱۳۶۰ انجام گرفت، همچنان به تدریس و تألیف ادامه دادم. در دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس متن‌های فارسی پرداختم. هم‌اکنون (اردیبهشت ۱۳۷۷) به گونه محدود تا آنجا که فرصت داشته باشم، به تدریس ادامه می‌دهم. بد نیست عرض کنم که من از سال ۱۳۳۵ یعنی ۲۰ سالگی به تدریس پرداخته‌ام و اکنون سال ۱۳۷۷ است، سال‌های تدریس من به ۵۲ می‌رسد، و در میانه سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۷ شمار آثارم از تألیف، تصحیح، مقاله و ترجمه حدود ۷۲ است. که طبق صورت آمار پیوست این زندگینامه، ۲۲ تا از آنها تألیف و ترجمه و تصحیح متن، و ۴۰ تا مقاله است.

از سال ۱۳۶۲ که مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به سرپرستی آقای سید کاظم موسوی بجنوردی تأسیس شده است، با آن مرکز همکاری داشته و عضو هیأت علمی آنجا هستم. از سال ۱۳۷۳ با فرهنگستان زبان و ادب فارسی همکاری می‌کنم و عضو هیأت علمی هستم. و با برخی از گروه‌های تخصصی از جمله املاء و شیوه خط فارسی همکاری دارم و نیز مقالاتی برای دانشنامه زبان و ادبیات فارسی که در حال تدوین است نوشته‌ام. پیش از این گفتم که از آغاز زندگی به برکت آموزش مرحوم پدر به قرآن پژوهی و تفسیر شوق فراوان داشتم. مجلس درس قرآن به تأسیس پدر در سال ۱۳۰۴ شمسی که با سال تولد حقیر مقارن بود، پا گرفت و تا سال ۱۳۵۱ که بانی وفات یافت ادامه داشت.

پس از آن من عهده‌دار تدریس و تفسیر قرآن شدم و تاکنون ادامه دارد. اخیراً به توفیق الهی توانسته‌ام با همکاری آقایان حاج مصطفی شعاع و محمدحسین شعاع، از قرآن پژوهان بنام تبریز، تألیف یک دوره

تفسیر مختصر را زیر عنوان نگرشی بر آیات قرآن آغاز کنم. جلد اول این تفسیر، شامل شرح ۱۳۰ آیه از سوره‌های حمد، بقره و آل عمران، به تألیف آن دو دانشمند و با نظارت این جانب در ۱۳۷۴ انتشار یافت. این تفسیر در میان تفاسیری که به فارسی نوشته شده است، به راه تازه‌ای رفته است. در این اثر همه آیات تفسیر نشده است، بلکه به شرح و تفسیر آیاتی که درخور بحث و نیز مبهم و دشوار است، توجه شده است. سخن به اختصار و به زبانی ساده و با بهره‌گیری از تفاسیر معتبر از جمله مجمع‌البیان طبرسی، تفسیر فخررازی، الدر المنثور سیوطی، المنار سیدمحمد رشیدرضا، المیزان علامه طباطبایی و فی ظلال القرآن سیدقطب بیان شده است. گفتمی است که کتاب‌هایی از سوی علمای شیعه و سنی به زبان عربی و با چنین روشی تألیف شده است، اما به فارسی چنین کتاب کلیدی را سراغ نداریم. اینک جلد دوم آن که شامل تفسیر آیات دشوار سوره‌های نساء و مائده است، در دست تألیف و نشر است. یکی از برکات نظام جمهوری اسلامی، مطرح شدن قرآن به عنوان پایگاهی استوار برای تقویت مبانی اسلام و دعوت مردم به حقایق قرآن و درک پیام الهی، و آنگاه به کار بستن آن است. البته در راه رسیدن به این آرمان (حدیث) نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. احادیثی معتبر از پیامبر گرامی (ص) و صحابه اخیار و ائمه اطهار به دست ما رسیده است که در واقع شرح پیام خداست و برای مسلمانان روشنگر است. خوشحالیم که مجلس درس قرآن توانسته است در این راه با تدریس و آموزش قرآن و نیز نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) و نیز تألیف کتاب‌هایی در این زمینه از قبیل نگرشی بر آیات قرآن که یاد کردم، و همچنین فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن یاری شایانی به آرمان مقدس اسلامی بکند. نیز توفیق داشته‌ام که جلد چهارم (از ۱۸ جلد) تفسیر الهدی من القرآن نوشته آیت‌الله مدرسی را از عربی به فارسی ترجمه کنم. در پایان اشارتی به کار خود در حوزه ادبیات فارسی می‌کنم. در این حوزه یکی از اقدامات ارزشمند که با همکاری دکتر حسن انوری و شادروان دکتر یدالله شکری پا گرفت، نشر «مجموعه ادب فارسی» است که تاکنون ۲۴ جلد از آن انتشار یافته است.

این کار از سال ۱۳۶۲ آغاز شد و در آن زمان دانشجویان رشته ادبیات، کتاب‌های درسی متناسب و دمساز با مبانی نظام اسلامی نداشتند و از سوی دیگر بحران اقتصادی شدیدی دامنگیر شده بود؛ کاغذ برای چاپ و نشر کتاب حکم کمیما داشت. به رغم همه

دشواری‌ها، با کوشش مستمر توانستیم کتاب‌هایی از «مجموعه» را منتشر کنیم که آغاز گر آن رستم و سهراب، شاهنامه فردوسی و آخرین دفتر آن یعنی شماره ۲۴، گزیده بوستان سعدی است.

بخشی دیگر از پژوهش‌های من در زمینه «ایران‌شناسی» است و بیشتر تألیف‌ها و ترجمه‌ها در همین زمینه است: سفرنامه ابن حوقل که بخش مربوط به ایران آن را ترجمه و تحشیه کرده‌ام؛ ترجمه سنی ملوک‌الارض و الاتیباء که عنوان فارسی آن تاریخ پیامبران و شاهان است؛ این اثر از حمزه اصفهانی و تاریخ عمومی است، اما بیشتر در مورد تاریخ ایران است، تصحیح ترجمه تاریخ یمنی، تاریخ بلعمی و جهانگشای جونی که همه در باب تاریخ و جغرافیای ایران‌اند.

پژوهش درباره زبان فارسی، واژگان و دستور، نیز از کارهای موردعلاقه من بوده است. در همین زمینه مقاله‌های بسیاری نوشته‌ام. در قسمت دستور زبان فارسی، از جمله نوشتارهای من کتاب پژوهشی در دستور فارسی و گفتارهای دستوری است؛ و نیز درباره املاء و رسم‌النخط فارسی سال‌های درازی است که سرگرم تحقیق و بررسی هستم. فرهنگ املائی را در سال ۱۳۵۸ و شیوه خط معیار را در ۱۳۷۵ تألیف کردم و اینک کتاب سوم شیوه خط فارسی و فرهنگ املائی آماده چاپ و نشر است. از کنگره‌های بین‌المللی که عضویت آنها را دارم، کنگره بین‌المللی خاورشناسی است که از سال ۱۳۵۲ به عضویت آن درآمد (این کنگره بعدها به کنگره بین‌المللی مطالعات آسیا و آفریقای شمالی ICANAS تغییر نام یافت) تاکنون در کنگره‌هایی که در فرانسه، مکزیک، کانادا و مجارستان تشکیل یافته است شرکت کرده و خطابه‌های خود را خوانده‌ام؛ والسلام.

آثار و تألیفات دکتر جعفر شعار:

۱. آیین شهرداری در قرن هفتم، ترجمه معالم القرية، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۲. تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه تاریخ سنی ملوک‌الارض و الاتیباء از حمزه اصفهانی، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.
۳. فرهنگ‌واره اخلاق در قرآن (اخلاق از نظر قرآن) مشتمل بر آیات اخلاقی قرآن با ترجمه فارسی به انضمام شرحی درباره اخلاقیات قرآن، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ش.

۴. پژوهشی در دستور فارسی، مجموعه مقالات دستوری، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

۵. گفتارهای دستوری، با همکاری آقایان دکتر فرشیدورد و دکتر حاکمی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

۶. فرهنگ املائی، مشتمل بر همه ترکیبات پیوست‌پذیر، با پژوهشی درباره رسم خط فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (چاپ دوم، امیرکبیر)

۷. ترجمه تاریخ یمنی، از ناصح بن ظفر جرفادقانی (در سال ۶۰۳) مقابله شده با هفت نسخه خطی و چاپی و تعلیقات و شرح بنگاه ترجمه و نشر کتاب، و مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.

۸. تاریخ بناکی (تاریخ عمومی)، تصحیح و مقابله با نسخه‌های خطی، انجمن آثار ملی، تهران.

۹. اغراض السیاسة، از ظهیری سمرقندی، تصحیح بر پایه نسخه‌های خطی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۰. قصه حمزه (دوجلد) تصحیح بر پایه نسخه خطی متعلق به کتابخانه برلین، به شماره ۱۴۱۸، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم در یک مجلد، کتاب فرزنان، تهران.

۱۱. سیاست نامه (سیرالملوک)، از خواجه نظام‌الملک طوسی، تصحیح و توضیح، مجموع سخن فارسی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ‌های متعدد).

۱۲. گزیده‌هایی از متون فارسی، سیاست نامه، جوامع‌الحکایات، سندهادنامه، اسرارالشجید، مجموعه شاهکارهای ادبیات، امیرکبیر، تهران.

۱۳. راهنمای زبان عربی، شامل قواعد صرف و نحو برای عموم علاقه‌مندان زبان عربی با پیوست «عربی برای فارسی» چاپ ششم با تجدید نظر و افزایش‌ها، انتشارات مبتکران.

۱۴. گزیده اشعار ناصر خسرو، (مجموعه ادب فارسی، شماره ۲)، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۸ ش.

۱۵. جوامع‌الحکایات (گزیده بزرگ) با شرح و توضیح، برپایه نسخه‌های خطی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۱۶. غننامه رستم و سهراب (مجموعه ادب فارسی شماره ۱) به انتخاب و شرح نویسنده و آقای دکتر حسن انوری، چاپ ۱۵، در تهران، ۱۳۶۷.

۱۷. سفرنامه ابن حوقل، بخش مربوط به ایران (ایران در صورالارض)، با تعلیقات و توضیحات،

امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.

۱۸. گزیده تاریخ بلعمی (قسمت اول و دوم) با همکاری مرحوم دکتر طباطبائی، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۶۶ ش (ویرایش دوم، نشر قطره، ۱۳۷۲ ش).

۱۹. گزیده اشعار رودکی، به انتخاب و شرح نویسنده و آقای دکتر حسن انوری، امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش؛ (ویرایش دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۳ ش).

۲۰. رزم‌نامه رستم و اسفندیار، به انتخاب و شرح نویسنده و آقای «دکتر حسن انوری».

۲۱. گزیده اشعار کسایی مروزی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۶ ش.

۲۲. گزیده سیاست‌نامه (بزرگ)، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵ ش، و نشر قطره، چاپ پانزده، ۱۳۷۶ ش.

۲۳. گزیده جهانگشای جونی، مجموعه ادب فارسی، ش ۱۰، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۶۸ ش.

۲۴. گزیده اشعار صائب تبریزی (با همکاری آقای مؤتمن) مجموعه ادب فارسی، ش ۲، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۶۸ ش.

۲۵. گزیده فصاید سعدی، مجموعه ادب فارسی بخش ۱۳، انتشارات سخن، تهران.

۲۶. گزیده سفرنامه ناصر خسرو، انتشارات سخن، ۱۳۷۳.

۲۷. تحلیل سفرنامه ناصر خسرو، همراه با متن کامل، تصحیح بر پایه نسخه‌های اصیل و کهن، نشر قطره، ۱۳۷۱.

۲۸. المنهج، شعر و نثر عربی، با همکاری دکتر عبدالحسین فرزاد، انتشارات سخن، ۱۳۷۳ ش.

۲۹. جوامع‌الحکایات، بخش تاریخ ایران و اسلام، انتشارات سخن، ۱۳۷۴، تهران.

۳۰. شیوه خط معیار، قواعد املاء همراه با نمایه‌هایی از شیوه املائی واژه‌های ساده و مرکب و موارد جدانویسی و پیوسته‌نویسی در ترکیبات، تهران، احیای کتاب، ۱۳۷۵.

۳۱. نگارشی بر آیات قرآن، ج ۱، تفسیر سوره‌های حمد و بقره و آل عمران، با همکاری مصطفی شعار و محمدحسین شعار، تهران ۱۳۷۴ ش.

۳۲. ترجمه تفسیر الهدی من القرآن، جلد ۴ از ۱۸ مجلد، تألیف آیت‌الله مدرسی، مشهد، آستان قدس.

۳۳. مقاله‌ها (حدود چهار مقاله)، در مجله‌های سخن، یغنا، راهنمای کتاب، مجموعه‌های مقالات کنگره تحقیقات ایرانی و جز آن.